

## انسان در عالم ذر: آراء و اقوال دانشمندان قرن ۱۴

\* محمد بیابانی اسکویی

**چکیده:** معرفت خدا در عالم ذر و اقرار بر معرفت، در آیات و روایات مطرح شده و اندیشمندان بزرگ در این مورد سخن گفته‌اند. در این نوشتار، نظریه‌های پنج تن از دانشمندان قرن ۱۴ با دیدگاه‌های مختلف، نقل و نقد و بررسی شده است: سید حبیب‌الله خوبی، میرزا مهدی اصفهانی، سید عبدالحسین شرف‌الدین، شیخ مجتبی قزوینی، علامه عبدالحسین امینی.

**کلید واژه:** عالم ذر / معرفت خدا / میثاق بر ولایت / عالم ارواح / عالم ذر - شبها و پاسخها / تقدّم خلقت روح بر بدن / دانشمندان شیعه - قرن ۱۴.

### اشاره

پیش از این، بحث عالم ذر براساس آیات و روایات (سفینه، شماره‌های ۱۹-۲۱) مطرح شد و آراء و اقوال دانشمندان قرون چهارم تا سیزدهم، نقل و نقد و بررسی

---

\*. محقق و مدرس، حوزه علمیه قم.

شد. (سفینه، ش ۲۲) در این کفتار، نظریات پنج تن از دانشمندان قرن چهاردهم در این زمینه، مورد بررسی قرار می‌گیرد.



### ۱. میر حبیب الله خویی (م ۱۳۲۴ هـ)

ایشان اقوال مختلفی در معنای معرفت آورده و آخرين معنا را «ادراک دوم بعد از فراموشی» دانسته و نقل کرده است که گفته شده اين قول مشهورترین قولها در معنای معرفت است. پس از آن می‌گويد:

أقول: و على هذا فاستعمال المعرفة في المقام، نظراً إلى سبق إدراك ذاته  
سبحانه في عالم الذر، أو عندأخذ الميثاق من العقول المجردة. (۳: ج ۱،

ص ۳۱۸)

می‌گوییم: بر این اساس، به کارگیری معرفت در اینجا، به پیشینه ادراک ذات خدای سبحانه در عالم ذر، یا به هنگام اخذ ميثاق از عقول مجرّده نظر دارد.

ایشان در جای دیگر به تفصیل، به بحث از عالم ذر پرداخته و ابتدا تفسیر مشهور را آورده که مطابق احادیث عالم ذر است. وی این تفسیر را به اکثر مفسران اهل اثر نسبت داده و متذکر شده است که محققان این تفسیر را به سبب اشکالات متعددی رد کرده‌اند. سپس اشکالات سید مرتضی را بر آن یادآور شده و نظریه وی را در اینباره مطرح کرده است.

به اعتقاد وی، تفسیر مشهور و نظریه سید مرتضی، هیچ یک با آیه مطابقت کامل ندارد و تصریح می‌کند که مخالفت نظریه سید مرتضی با ظاهر آیه، بیشتر از تفسیر مشهور است. پس از آن می‌گوید:

أَمَا إِنْكَارُ أَصْلِ هَذِهِ الْقَضِيَّةِ وَالْحُكْمِ بِاسْتِحَالَتِهِ بَا ذَكْرِهِ مِنْ دَلِيلِ الْعُقْلِ،  
فَلَا وَجْهٌ لَهُ. وَ لَا يَعْبُأُ بِالدَّلِيلِ الْمُذْكُورِ - قَبْلَ الْأَخْبَارِ الْكَثِيرَةِ - تَفْسِيرُ الْآيَةِ

به أيضاً.... (۳: ج ۲، ص ۱۴۷)



اما انکار اصل وجود عالم ذر و حکم به محال بودن آن، به سبب دلیل عقلی که ذکر کرده است، هیچ وجہی ندارد. و آن دلیل - در مقابل روایات متواتر که وجود آن را می‌رساند - قابل اعتنا نیست؛ بلکه در روایات فراوانی آیه به عالم ذر نیز تفسیر شده است.

ایشان روایات عالم ذر را متواتر و غیر قابل ردّ دانسته و تصریح می‌کند که روایات زیادی نیز آیه را عالم ذر تفسیر کرده‌اند. از این بیان، استفاده می‌شود که هرچند ایشان در ابتدای بحث، تفسیر مشهور را با ظاهر آیه در اختلاف می‌دید، اما در نهایت به این نکته می‌رسد که بر اساس روایات، معنای آیه همان است.

## ۲. میرزا مهدی اصفهانی (۱۳۶۵هـ)

میرزا اصفهانی معتقد است که انسان، از روح و بدن ترکیب یافته است. روح و بدن هر دو مادی‌اند. علم، عقل، قدرت، حیات و سایر کمالات نوری از ناحیه خدای تعالیٰ به روح و بدن افاضه می‌شود. پس روح انسان، عین علم و قدرت و حیات نیست تا مجرد به معنای اصطلاحی باشد. مادی بودن روح، بدان معنا نیست که روح هم مانند بدن با حواس ظاهری قابل درک باشد؛ زیرا مادی بودن با قابل درک بودن به حواس بدنی مساوی نیست.

ایشان تصریح می‌کند که بر اساس روایات، روح پیش از بدن خلق شده و بعد از خلق، بدن به آن تعلق گرفته است. بدن نیز در عالم ذر به صورت ذری موجود شده، روح در عالم ذر به آن تعلق گرفته و بعد از تعلق، از او جدا نشده و همواره با بدن است. انسان مرکب از روح و بدن در اصلاح و ارحام جاری می‌شود تا اینکه به صورت نطفه، از صلب آخرین پدر به رحم آخرین مادر وارد می‌شود و بعد از چهار ماه، روح العقل و الحياة به او افاضه می‌شود و بعد از سپری کردن دوران جنینی، از رحم به دنیا می‌آید.

انسان در تمام این مدت، میثاقی را که در عالم ارواح و ذر، بر استوار ماندن بر آن،

با خدای تعالیٰ بسته بود، به یاد دارد و از آن غافل نیست. این میثاق شامل اعتقاد و تسلیم در مقابل دستورهای خدا، اطاعت از اولیای الاهی و اعتقاد به ربوبیت و توحید خداوند متعال، نبوت پیامبران، ولایت و وصایت اوصیای الاهی است. اما به هنگام ورود انسان به دنیا، خدای تعالیٰ به عمد، میثاق مذکور را از یاد او می‌برد و پیامبران و اوصیای ایشان را جهت یادآوری آن عهد و پیمان و ملزم ساختن بندگان به آن، به سوی آنان می‌فرستد. اما برخورد انسانها با دعوت پیامبران، مختلف است. از آنجا که این دنیا محل امتحان و تکلیف است، خدای تعالیٰ نیز به آنها مهلت می‌دهد و در مقابل اعمال و کردار ناشایست شان، بلا فاصله، اخذشان نمی‌کند. این همه برای آن است که حجّت بر آنها به صورت کامل‌تر و روشن‌تر تمام گردد و شبّه‌ای در آنچه خدای تعالیٰ در حق بندگان انجام داده و خواهد داد، برای احدي باقی نماند. ایشان در این زمینه می‌نویسد:

لَا يَخْفِي مَا فِي الْأَيَّةِ الشَّرِيفَةِ<sup>۱</sup> مِنَ التَّصْرِيعِ عَلَى أَخْذَذْرَيَّةِ جَمِيعِ بْنِي آدَمَ حِيثُ قَالَ: «وَإِذَا أَخْذَرَكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتُهُمْ» وَلَمْ يَقُلْ: «مِنْ آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِ ذُرِّيَّتِهِ»، حَتَّى يَكُونَ مُوْهَمًا بِالْخَصَاصَةِ بِأَوْلَادِ خَصْوَصِ آدَمِ... وَعِدْمُ الشَّبَهَةِ - كَمَا نَصَّ عَلَيْهِ الشَّيْخُ - شَبَهَةُ التَّنَاسُخِ، وَهُوَ مُبَيِّنٌ عَلَى تَوْهِيمِ أَنَّ الْأَبْدَانَ الذَّرِّيَّةَ غَيْرُ تِلْكَ الْأَبْدَانِ، فَإِنَّ التَّنَاسُخَ هُوَ تَعْلُقُ الْأَرْوَاحِ بِبَدْنِ آخَرِ وَالْأَخْبَارُ نَاصَّةٌ بِبَطْلَانِ هَذَا الْاحْتَالِ وَأَنَّ هَذِهِ الْأَبْدَانَ عَيْنَ تِلْكَ الْأَبْدَانِ، وَأَنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ مِنْ قَبْلِ فِي مَرْتَبَةِ الذَّرِّيَّةِ وَلَهُ رُوحٌ قَدِيمَةٌ، وَبِهَا الرُّوحُ يَنْتَقِلُ فِي الْأَصْلَابِ وَالْأَرْحَامِ. غَايَةُ الْأَمْرِ أَنَّهُ فِي الْمَرْتَبَةِ الَّتِي قَدَرَ اللَّهُ خَرْوَجَهُ عَنْ رَحْمٍ، يَنْمُو بِالْتَّغْذِيَّةِ. وَمَا يَتَغَذَّى وَيَنْمُو بِهِ، خَارِجٌ عَنْ حَقِيقَتِهِ.

(۱: ص ۱۵۹)

۱. منظور آیه ذراست.



آیه شریفه به روشنی، صراحت دارد که خداوند متعال، ذریّه همه فرزندان آدم علیهم السلام را اخذ کرده است؛ زیرا فرمود: «و ياداور آنگاه را که خداوندگارت از پشت فرزندان آدم، ذریّه آنها را گرفت». خداوند نفرمود: «از پشت آدم ذریّه او را گرفت»، تا توهم نشود که اخذ به خصوص اولاد آدم علیهم السلام اختصاص دارد...

شبهه اساسی درباره عالم ذر - همان طور که مرحوم شیخ (مفید) به صراحت گفته - شبهه تناصح است و اساس آن براین توهم استوار شده که بدنهای ذری، غیر از این ابدان دنیوی هستند؛ زیرا تناصح عبارت از تعلق ارواح به بدن دیگر است که روایات به صراحت، این احتمال را رد می‌کند و می‌رساند که این بدنها عین همان بدنهای ذری هستند. این روایات، همچنین، دلالت دارد که انسان پیش از این در مرتبه ذری خلق شده است و روح قدیم دارد و با همان روح قدیم در صلبها و رحمها جریان پیدا می‌کند.

البته بدن دنیوی در مرتبه‌ای صورت می‌گیرد که خدای تعالی می‌خواهد او را به دنیا بیاورد که با تغذیه، رشد می‌کند. و آنچه تغذیه می‌کند و مقداری که رشد می‌کند، از اصل بدن حقیقی او خارج است. بدن دنیوی از این دیدگاه با بدن ذری تفاوت دارد.

### ۳. سید عبدالحسین شرف الدین (م ۱۳۷۷ هـ)

مرحوم شرف الدین، آیه ذر را از قبیل تمثیل گرفته و برای معنای ظاهری آن واقعیتی قائل نیست؛ یعنی وجود عالمی به عنوان عالم ذر، بیرون کشیدن فرزندان آدم از پشت او و گرفتن عهد و پیمان از آنها را - به صورت واقعی و خارجی آن - قبول ندارد. او در معنای آیه می‌گوید:

«و» اذْكُرْ يَا مُحَمَّدٌ لِلنَّاسِ مَا قَدْ وَاثَقُوا اللَّهُ عَلَيْهِ بِلِسانِ حَالِمِ التَّكَوينِ مِنِ  
الإِعْانِ وَ الشَّهادَةِ لَهُ بِالرَّبُوبِيَّةِ؛ وَ ذَلِكَ «إِذْ أَخْذَ رَبَّكَ» أَيْ: حِيثُ أَخْذَ رَبَّكَ  
جَلَّ سُلْطَانَهُ «مَنْ بَنِي آدَمَ» أَيْ «مَنْ ظَهَرَهُمْ ذَرِّيَّتَهُمْ»، فَأَخْرَجَهَا مِنْ  
أَصْلَابِ آبَائِهِمْ نَطْفًا، فَجَعَلَهَا فِي قَارَ مَكِينٍ مِنْ أَرْحَامِ أَمْهَاتِهِمْ. ثُمَّ جَعَلَ

النطف علقاً، ثم مضغاً، ثم عظاماً ثم كسا العظام لحماً، ثم أنشأ كلّاً منهم خلقاً سويّاً قوياً في أحسن تقويم، سيعاً بصيراً ناطقاً عاقلاً مفكراً... فیدرک بهـا آلاء الله في ملکوته وآیات صنعه جلـ و عـلا... و بذلك وجـبـ أنـ يـكونـواـ عـلـىـ بـيـتـةـ قـاطـعـةـ بـرـبـوـيـتـهـ، مـانـعـةـ عـنـ الـمـجـوـدـ بـوـحـدـانـیـتـهـ. فـكـانـهـ تـبـارـكـ وـ تـعـالـیـ إـذـ خـلـقـهـمـ عـلـىـ هـذـهـ الـكـيـفـيـةـ، قـرـرـهـمـ «ـوـ أـشـهـدـهـمـ عـلـىـ أـنـفـسـهـمـ»ـ، فـقـالـ لـهـمـ: «ـأـلـسـتـ بـرـبـکـمـ»ـ وـ كـأـنـهـمـ «ـقـالـواـ بـلـ شـهـدـنـاـ»ـ عـلـىـ أـنـفـسـنـاـ لـكـ بـالـرـبـوـيـتـهـ... هـذـاـ كـلـهـ مـنـ مـرـامـيـ الـآـيـةـ الـكـرـيـةـ وـ إـنـاـ جـاءـتـ عـلـىـ سـبـيلـ التـمـثـيلـ وـ التـصـوـيرـ، تـقـرـيـباـ لـلـأـذـهـانـ إـلـىـ الـإـيمـانـ وـ تـفـتـنـاـ فـيـ الـبـيـانـ وـ الـبـرـهـانـ. (٤: ص ٣ و ٤)

و يادکن، ای پیامبر! برای مردم که آنان با زبان حال تکوینی خود، با خدا پیمان بستند که ایمان آورند و به ربویت او شهادت دهنند. و آن «زمان که خداوندگارت اخذ کرد» یعنی آن گاه که اخذ کرد خداوندگارت «از بنی آدم» یعنی «از پشت بنی آدم ذریه آنها را»؛ بدین سان که آنان را از اصلاح پدرانشان به صورت نطفه بیرون آورد و در قرارگاهی مکین -که ارحام مادرانشان باشد - قرار داد. سپس نطفه‌ها را به علقه و علقة را به مضغه و بعد به استخوان تبدیل کرد. آن گاه آنها را گوشت پوشاند و بعد هر یک از آنها را خلقی کامل، قوی و در بهترین تنظیم قرار داد. آنها را شنوا، بینا، ناطق، عاقل و متفکر... کرد. و به واسطه قوای ادارکی که به آنها داد، نعمتهای ملکوتی و آیات صنع الاهی را در اطراف خود درک می‌کنند... و به سبب این ادراک، باید با دلیل، به ربویت خداوند، قاطع باشند و از انکار توحیدش امتناع ورزند.

پس گویی خداوند متعال، آن گاه که آنان را به این کیفیت آفرید، برای آنان تعریف و تثبیت کرد «و آنان را بر خودشان گواه گرفت» و گفت: «آیا من خداوندگارتان نیستم» و گویا آنها گفتند: «آری، ما گواهی می‌دهیم» بر نفس خویش برایت به ربویت... مقصود آیه کریمه، همین است که ذکر شد. آیه بر سبیل تمثیل و تصویر برای تعریف به ذهنها برای ایمان، آمده است و نحوه‌ای از بیان و برهان است.



از نظر مرحوم شرف الدین، آیه شریفه هیچ‌گونه دلالتی بر عهد و میثاق نبوت پیامبر ﷺ و ولایت و امامت امامان معصوم علیهم السلام ندارد. البته بدون در نظر گرفتن روایات مربوط به این آیه، نظریه وی صحیح است؛ زیرا آیه شریفه در مورد میثاق بر نبوت پیامبر ﷺ و ولایت و امامت امامان معصوم علیهم السلام ساكت است؛ ولی در روایات، این دو میثاق نیز به دنبال میثاق ربوبیت و توحید، در تفسیر آیه شریفه ذکر شده و امامان معصوم علیهم السلام تأکید کرده‌اند که در عالم ذر، بر نبوت پیامبر ﷺ و امامت امامان اهل بیت علیهم السلام نیز عهد و پیمان گرفته شده است. مرحوم شرف الدین ضمن رعایت کمال احترام و ادب نسبت به این روایات و قول به صحت و مطابقت مضمونشان با حق، آنها را توجیه می‌کند. توجیه این روایات نیز عیناً همان تاویل و توجیهی است که نسبت به میثاق ربوبیت و توحید در آیه شریفه ارائه کرده بود.

ایشان می‌نویسد:

أَتَأْخُذُ الْمِيثَاقَ هَنَا لِرَسُولِ اللَّهِ بِالنَّبُوَّةِ وَلَاْ أُصِيَّاهُ الْإِثْنَا عَشَرَ بِالْإِمَامَةِ، فَإِنَّمَا  
هُوَ عَلَى حَدَّ مَا ذَكَرْنَا هُنَّ مَنْ أَخْذُ الْمِيثَاقَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالرَّبُوبِيَّةِ، فَإِنَّهُ - وَلِهِ الْحَمْدُ  
وَالْمَجْدُ - أَفَامَ عَلَى نَبُوَّةِ نَبِيِّنَا وَإِمَامَةِ أَمَّتِنَا مِنَ الْأَدْلَةِ الْقَاطِعَةِ وَالْبَرَاهِينِ  
السَّاطِعَةِ وَالآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ وَالْحَجَّ الْبَالِغَةِ الْمُتَظَاهِرَةِ مَا لَا يَتَسَنَّى جَهْودُهِ  
وَلَا تَتَنَقَّى الْمَكَابِرُ فِيهِ.

اخذ میثاق در عالم ذر بر نبوت رسول خدا علیهم السلام و امامت او صیای دوازده گانه اش علیهم السلام به همان معناست که درباره اخذ میثاق بر ربوبیت خداوند متعال گفتیم. زیرا خداوند متعال - که حمد و عظمت مخصوص اوست - بر نبوت پیامبر ﷺ و امامت امامان ماعلهم السلام ادله‌ای قاطع، براهینی آشکار، آیات، شواهد و حجت‌های کامل و ظاهر اقامه کرده است که انکار آنها به هیچ وجه، ممکن نیست و معارضه با آنها از هیچ کسی برنمی‌آید.

ایشان خصوص انسانها در مقابل پیامبر و امامان علیهم السلام و بیان مناقب و فضائل ایشان

را دلیل و شاهدی بر این مطلب آورده است. (۴: ص ۹)

درباره این سخن باید گفت که در وجود حجت قعطی بر رویت خداوند سبحانه و نبؤت و ولایت پیامبر خاتم و اوصیای آن بزرگوار، هیچ شک و شبهاهی نیست؛ ولی بحث در این است که آیا آیه مبارکه و روایات معصومان علیهم السلام درباره عالم عهد و میثاق نیز تنها به همین مطلب اشاره دارند و با زبان تمثیل و رمز صحبت گفته‌اند یا اینکه به بیان واقعیت دیگری نیز پرداخته‌اند.

دلالت روشن آیه و روایات عالم ذر، پیش از این تبیین گردید و معلوم شد که عالم ذر، عالمی حقیقی و واقعی است. انسانها در آنجا به صورت کامل - با تمام جهات لازم برای دریافت معرفت - موجود بوده‌اند و پس از دریافت معرفت، مورد امتحان و تکلیف قرار گرفته‌اند.

#### ۴. شیخ مجتبی قزوینی (م ۱۳۷۹ هق)

ایشان نیز همچون استاد خویش (مرحوم میرزا مهدی اصفهانی) عقیده دارد که انسان پیش از این دنیا دو عالم «ارواح» و «ذر» را پشت سر گذاشته است. او می‌نویسد:

اصل دومی که از آیات شریفه قرآن و روایات، مستفاد می‌باشد و معاد قرآن مجید بر آن استوار می‌گردد، این است که انسان موجود در این عالم - که ابتدای آن نطفه است و بعد علقه و مضغه و طفل و جوان و پیر می‌شود و می‌میرد - در عالمی قبل از این عالم خلق شده، خداوند متعال، قبل از این عالم، هر انسانی را به وجود ذری خلق فرموده و روح و عقل به او کرامت فرموده و او را مکلف ساخته است. و همان طوری که در این عالم دارای بدن و روح و عقل می‌باشد، در عالم قبل نیز دارا بوده... نام عالم قبلی عالم ذر است؛ زیرا که مردم به وجودهای ذری خلق شدند. چون خداوند متعال حضرت آدم را آفرید، بعضی از این ذرات را در صلب وی قرار داد، و بعضی را در هوا نگاه داشت تا زمانی که مقادر فرموده که در این جهان بیاید [و] به ضمیمه غذا یا هوا داخل صلب پدرش و به صورت نطفه داخل رحم مادر گردد... وجود عالم ذر، از آیات و روایات



زیادی استفاده شده... و به اندازه‌ای اخبار در این باب زیاد است که نتوان صدور روایات را انکار کرد. (۵: ص ۵۰۳-۵۰۴)

سپس در باب عالم ذر روایاتی می‌آورد و یادآوری می‌کند که بر اساس روایات، انسان مخلوق در عالم ذر، دارای سه جهت بوده است: اول: جهت نور که از آن به عقل و نور تعبیر شده است. دوم: جهت روح. سوم: جهت طینت و ابدان ذریه. وی تأکید می‌کند که روح انسان، به هیچ وجه - به معنایی که فلاسفه گفته‌اند - مجرد نیست؛ بلکه روح مؤمن از طینت علیین یا اعلا علیین خلق شده است. تنها تفاوت بین نظر ایشان و نظریه میرزای اصفهانی این است که از نظر ایشان، برخی از ذرات به صلب آدم نیامدند، بلکه در هوا ماندند؛ در حالی که از دیدگاه میرزای اصفهانی، همه انسانهای ذری در اصلاح و ارحام جاری می‌شوند. ایشان پس از این می‌نویسد:

و نیز معلوم شد مخلوق سابق، در عالم ذر منحصر به طینت و بدن نبوده، بلکه انسان در عالم ذر مرکباً از روح و بدن و عقل خلق شده، به صورت ذری. بالجمله موجود در این عالم، همان انسان است که به صورت ذری مرکب از روح و عقل و طینت در عالم ذر و قبل از عالم رحم و نطفه، به هزاران سال خلق شده است. (همان: ص ۵۰۹-۵۱۰)

او در جای دیگر، به طرح و بررسی شباهات عالم ذر و پاسخگویی به آنها می‌پردازد و در پاسخ به شباهه تناصح می‌نویسد:

تناصح در صورتی لازم آید که ما روح را مجرد و ابدان دنیویه را غیر از ابدان ذریه بدانیم؛ ولی ما در مقام خود ثابت کرده‌ایم که روح انسان، مجرد به معنای اصطلاحی حکما نیست و ابدان دنیویه عین همان ابدان ذریه می‌باشد که به وسیله غذا یا امور دیگر، داخل نطفه پدر یا رحم مادر شده و به توسط اغذیه دنیا نمود و طی مراحل می‌کنند. (همان: ص ۵۱۳-۵۱۴)

مرحوم قروینی در ادامه بحث، روایات مربوط به خلقت حضرت آدم علیه السلام را طرح می‌کند و سپس به مناسبت، به بحث در باب ذریه آن حضرت می‌پردازد و احتمال

حلقت ابتدایی برخی از ذریّه را منتفی نمی‌داند. ایشان در این باره می‌نویسد:  
در این روایات، به نکات دقیقی اشاره شده [که] به بعضی از آن اشاره می‌کنیم:  
اول آن که موجودات ذری، یک قسمت ذرّاتی باشند که از صلب آدم منتقل به  
اصلاب و ارحام گردند و قسمتی هم در هوا منتشر بودند [که] به توسط اغذیه،  
وارد در اصلاب و ارحام گردند و قسمتی هم ممکن است که ابتدائاً خدا خلق  
نماید...

چهارم آنکه موجودات قدیمه داری روح قدیم می‌باشند؛ به توسط آن روح از  
عالی می‌به عالم دیگر و از صلبی به صلب دیگر منتقل گردند. روحی که در رحم  
پس از چهار ماه دمیله شود، روح الحیات و روح العقل است. معلوم می‌شود که  
وجودات ذری، دارای روح بودند و در عالم ذر، به آنها عقل و امری که شایسته  
تکلیف باشد، عنایت شده، سپس علم و عقل را از آنان گرفته... و در این عالم  
مجددًا به انسان اعطای عقل و شعور فرموده. این مطلب با اینکه عقل مصحّح  
تکلیف در پانزده سالگی داده شود و قبل از تکمیل عقل، در جهل باشند، تنافی  
ندارد؛ زیرا که مراتب عقل و ادراک و شعور، مختلف است و اول مرتبه آن روح  
الحياة است که در رحم عنایت گردد. (همان: ص ۵۲۳-۵۲۴)

## ۵. علامه عبدالحسین امینی (م ۱۳۹۰ هش)

بنابر قول مرحوم شیخ آقا بزرگ، علامه امینی رساله‌ای در تفسیر آیه ذرّ دارد. این رساله با مقدمه‌ای علمی شروع می‌شود. ایشان با ۱۹ آیه و ۴۰ حدیث - که ۴۰ حدیث صحیح اصطلاحی است - عالم ذرّ را اثبات کرده و درنهایت، اقوال عالمان  
کامل و اشعار عارفان ادیب را در این مورد آورده است. (۲: ج ۴، ص ۳۲۳)

ایشان کتاب دیگری به نام «المقادص العلية في المطالب السننية» دارد که در مطلب سوم از جلد اول آن به اثبات عالم ذرّ پرداخته است. در این کتاب نیز ۱۹ آیه ذکر می‌کند که همه آنها در الذريعة، آمده است. سپس صاحب الذريعة می‌گوید: ۶۰ حدیث در ذیل این آیات وارد شده است؛ در حالی که شیخ حرّ عاملی احادیث مربوط به عالم ذرّ را متجاوز از هزار حدیث می‌داند. علامه امینی در این کتاب ۱۵۰

حدیث ذکر کرده که سند ۴۰ حدیث از میان آنها - به اصطلاح متأخران - صحیح است. ایشان در این کتاب نیز پس از نقل آیات و روایات به نقل اقوال و اشعار پرداخته است. (۲: ج ۲۱، ص ۳۸۲-۳۸۳)

## فهرست منابع

۱. اصفهانی، میرزا مهدی. معارف القرآن. نسخه خطی کتابخانه شخصی مرحوم شیخ علی اکبر صدرزاده.
۲. تهرانی، آقابرگ. الذريعة الى تصانيف الشيعة. قم: اسماعیلیان، ۱۳۳۲ ش.
۳. خوبی، حبیب‌الله. منهاج البراعة في شرح نهج البلاحة. تهران: اسلامیه، ۱۳۸۶ ق.
۴. شرف‌الدین، سید عبدالحسین. فلسفه المیثاق و الولاية. قم: دارالکتاب.
۵. قزوینی، مجتبی. بیان الفراقان. تهران: ۱۳۷۰ ق.